

## افغانستان در گذرگاه ابریشم

طوری شاهد هستیم قرار است بتاريخ ۱۳۹۱/۰۳/۲۶ (۱۶ جون ۲۰۱۲) کنفرانس بزرگی به اشتراک کشور های منطقه و جهانی در کابل برگزار گردد که روی امتداد خط ترانزیتی که از کشور عبور میکند بحث و گفتگو ها صورت پذیرد.

بدین لحاظ بی جا نخواهد بود تا در مورد سابقه تاریخی و در رابطه به اهمیت این کشور از لحاظ اقتصادی و ترانزیتی مکث کوتاهی داشته باشیم.

سرزمین فعلی افغانستان بمثابه بخشی از آریانای بزرگ و خراسان تاریخی از لحاظ موقعیت جغرافیایی و جیوپولیتیک، یکی از مهمترین چارراه های تبادل فرهنگ، تجارت، بستر مهاجرتهاى وسیع مردمان آسیای مرکزی، تهاجمات و جهان گشایی ها از اهمیت به سزایی برخوردار است. ساختار جیوفیزیکی این سرزمین در مسیرهای تجارتي کاروان های ابریشم با توجه به موقعیت کوه های صعب العبور «تیانشان» (天山 *tiān shān*) و «همالیا» در شرق کوتاه ترین راه توصل بین آسیای میانه تا نیم قاره هندوستان، سرزمین حوزه مدیترانه و ایران با چین، و کشورهای جنوب شرق آسیا را بوجود آورده است. درک و تحلیل واقعی این موقعیت میتواند به همگرایی دوستانه کشورهای منطقه کمک به سزایی نماید.



تصویر راه ابریشم را در نقشه بالا ملاحظه کرده می‌توانید

در نخستین مراحل تهاجمات و جهانگشایی ها امپراتوران بزرگی چون کوروش و داریوش هخامنشی، آشوکای موریایی هندی و اسکندر مقدونی در سده های پنج تا سوم پیش از میلاد از این گذرگاه به صوب شمال و جنوب عبور کرده اند و از موقعیت مرکزی و سوق الجیشی آن بین آسیای میانه (ماورا النهر) و هند بحیث یک قرارگاه جنگی استفاده نموده اند. در عصرهای بعدی همچنان در مسیر فتوحات سپاهیان اسلام و حملات غارتگرانه چنگیزیان (مغولها) و ترکان (امیر تیمور کورگانی) و سایر مراکز قدرت های منطقی قرار گرفته است. از جانب دیگر احیای جاده ابریشم که از چین تا مدیترانه، مورد بهره برداری تجارتي، زیارتي و سیاحتی قرار می گرفت می تواند بین ملل علاوه بر اثرات اقتصادی موجب تحکیم روابط سیاسی و اجتماعی و تقویت تعاملات فرهنگی در این مسیر واقع شود.

مصلحتهای مقطعه ای قدرت های منطقی و تحت الحمایه، قدرتهای بزرگ جهانی گاهی این سرزمین را بحیث جغرافیای حایل در مناسبات آنها در آورده است، تا اگر این قدرت ها علیه یکدیگر بجنگند، بایست ازین جغرافیا بمثابه عقبگاه جبهه سیاسی - نظامی خود استفاده نمایند، چنین پالیسی های منطقی در مورد کشور ما در سده هجدهم تا اوایل سده بیستم وجود داشته است و سرانجام تا زمان تبارز امپراتوری روسیه تزاری در شمال و هند برتانوی در جنوب و تعیین سرحدات و ساحات قلمرو سیاسی آنان بر سرحدات افغانستان کنونی ادامه یافته است. آنها زمانی هم تصمیم داشتند تا از دیوار بزرگ هندوکش همچو سپری در برابر یکدیگر استفاده نمایند.

دپائو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څېر و لولئ

از سوی دیگر بازگویی حوادث و ماجراهای سیاسی نظامی در تاریخ کشور بخوبی نشان میدهند، که این خطه با توجه به محوریت جغرافیایی و سوق الحیثی خود در مرکز آسیا نمی تواند به حوزه منافع قدرت خاصی در آید، هرگاهی که قدرتهای منطقه وی دست به انقیاد این جغرافیا زده اند، عکس العمل هایی از سوی سایر قدرت ها شکل گرفته و منجر به بروز حوادث منطقی شده است.

ازینرو میتوان افغانستان را جغرافیای دوستی و همگرایی مجموع کشورهای منطقه و جهان نامید و بر اساس حفظ منافع متقابل کشورها روابط برقرار نمود و در رعایت و حفظ بیطرفی آن بمتابه اصل توازن در تأمین صلح و امنیت منطقی تلاش ورزید.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ